

جوابپرفرض الحسنه

آنچه هست



۹

آنچه باید باشند

♦ دکتر محمد باقر صدری

واسب سواری و سایر... که به "لوتو" معروف است، وجود دارد. ولی بانکها به عنوان یک بنگاه اقتصادی که قلب تپنده حوزه پول و سرمایه هستند در این گونه بازیها مشارکت ندارند. سؤال این است که هدف از قرعه کشی و دادن جوایز چیست؟ آیا بانکها با این روش خواستار جلب و جذب مشتری هستند و یا این عمل "رقابت" را فیمابین نهادها تقویت می کند؟

شایان ذکر است که کلیه داراییهای بانکها و پولها و نقدینگی موجود در آنها متعلق به مردم است. به عبارت دیگر نهاد بانک به عنوان بنگاه اقتصادی امانت دار مردم و نگهدارنده نقدینگی آنها است. طبق روشهای بانک تسویه حسابهای بین المللی حداکثر دارایی خود بانکها بیش از ده درصد کلیه دارایی آنها نیست، پس در صورت صحت فرض ۹۰ درصد بقیه در مالکیت غیر بانک است که آنهم مردم هستند.

سالهای متمادی است که بانکها ظاهراً برای جلب رضایت مشتریان خود جوایزی را در نظر می گیرند و مشابه لاتاری موجود در اروپا به حسابهای سپردهای که دارای موجودی معینی باشند، انواع و اقسام وسایل خانگی، اتومبیل و پول نقد را به عنوان جایزه پرداخت می کنند. واکاوی این مسئله و کندوکاو در شیوه پرداخت بیائگر آن است که این روش اگر چه شاید در کوتاه مدت موجب افزایش سپرده می شود، ولی در دراز مدت نقش مؤثری ایفا نمی کند، بلکه در عمل بانکها را در دور باطلی فرو برده و سپرده گذاران را به تدریج به آزمون بخت و شانس رهنمون می شود. این که این روش شرعی و اسلامی است یا نه، متولیان بانکداری اسلامی، باید در این حوزه پاسخگو باشند. تنها سؤالی که مطرح است، این است که اگر آزمون بخت و شانس و قرعه کشی هیچ گونه اشکال نداشت، پس چرا نهادهای مربوط به آزمایش بخت را به تعطیلی کشاندند. در خیلی از کشورهای جهان قرعه کشی هایی که در حوزه فوتبال

آیا در عقود موجود بین بانک‌ها و مشتریان (که مالکان اصلی سپرده‌ها هستند) از این که بانک‌ها در این گونه پرداخت‌ها دخالت کنند، اشاره‌ای شده است، به عبارت دیگر آیا صاحبان سپرده‌ها به مدیران بانک‌ها اجازه داده‌اند که بخشی از درآمد ناشی از سپرده‌آنها را به عنوان جایزه و یا هر عنوان دیگر در اختیار افرادی قرار دهند که از طریق روش بخت‌آزمایی انتخاب شده‌اند. برای مثال اگر بانک‌ها با مصوبه‌ای از مجلس شورای اسلامی یا شورای پول و اعتبار اعلام می‌کردند که سپرده‌گذارانی که مثلاً در حد A ریال در بانک‌ها سپرده‌گذارند و طی مدت معینی ماهانه مبلغی را به سپرده خود بیفزایند و هیچ برداشتی از سپرده خود نداشته باشند، مبلغی بیش از سود قراردادی به آنها پرداخت خواهد شد. چه بسا مفیدتر و مؤثر می‌بود که اولاً مردم تشویق به پس‌انداز می‌شدند. ثانیاً با این عمل قدرت سرمایه‌گذاری‌ها و یا اعتباردهی بانک‌ها را افزایش می‌دادند. ثالثاً از یک اقدام مثبت و مؤثر خود پاداش دریافت می‌کردند. در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه در آسیای جنوب شرقی بانک‌ها با بررسی حساب سپرده‌گذاران و با عنایت به مقررات و قوانینی که دارند، به برخی از سپرده‌گذاران خود جوایزی مانند سفرهای اشرافی رایگان در هتل ۴ و ۵ ستاره و یا پرداخت پول بلیت هواپیمای درجه یک رفت و برگشت در مسیرهایی که سپرده‌گذار سفر می‌کند و یا مشارکت در طرح‌های خاص سودآور و دادن سهامی از آن طرح‌ها به سپرده‌گذاران و ده‌ها مورد دیگر اهدا می‌کنند. البته همه این امور زمانی اتفاق می‌افتد که سپرده‌گذار در موقع افتتاح حساب و یا در طول مراد به بانک پرسش‌نامه‌هایی را از طرف بانک‌های طرف حساب دریافت و تنظیم می‌کنند. مثلاً سؤال می‌شود که آیا وی دارای منزل مسکونی شخصی است؟ در صورت پاسخ منفی سؤال می‌شود که آیا مایل است در فلان منطقه شهر و با متراژ خاصی صاحب منزل مسکونی شود. و سپس با توجه به پاسخ سپرده‌گذار بانک‌ها با توجه به طرح‌های مشارکت مسکن که دارند، به سپرده‌گذار اعلام می‌کنند که ما تصمیم داریم یک واحد آپارتمان (با متراژی که قبلاً سپرده‌گذار اظهار تمایل داده است) را برای شما خریداری کنیم. به این معنی که مثلاً ۲۰ درصد پیش‌پرداخت آپارتمان مذکور را به عنوان جایزه راساً پرداخته و بقیه را به تدریج در ظرف مدت معینی از سود متعلق به سپرده خواهیم پرداخت. در یکی از بانک‌های مالزی علاوه بر سود متعلق به سپرده‌ها، بانک پس از محاسبه سود و زیان خود در پایان سال با تصویب هیأت مدیره درصدی را به عنوان پاداش برای سپرده‌گذاران خود در نظر می‌گیرد و سپس آن را فیما بین سپرده‌گذاران انتخاب شده، تقسیم و به حساب واریز و به مشتریان طی یک نامه محبت‌آمیز اعلام می‌کند.

به هر حال روش قلعه‌ای موجود پرداخت‌ها و یا قرعه‌کشی‌ها شایسته بانکداری موجود نیست. باید طرحی نو در انداخت و اگر هدف جذب بیشتر مشتری و ایجاد رقابت فیما بین بانک‌ها است، این شیوه درستی نیست، ولی اگر هدف انتفاع سپرده‌گذاران از سود بانک‌ها که در حقیقت سود سپرده‌گذاران است می‌باشد،

باید به شیوه‌های دیگر اندیشه کرد تا هم مسئله جنبه بخت‌آزمایی به خود نگیرد، ثانیاً با روش‌های مطلوب تر سپرده‌گذاران از سپرده‌گذاری خود در آن بانک بهره‌مند شوند. می‌توان بادر نظر گرفتن درصدی از سود بانک‌ها، بخشی را برای کمک هزینه تحصیلی فرزندان و یا تعیین بورسیه تحصیلی در دوره‌های کارشناسی ارشد و یا دکتری و غیره اختصاص داد. ساده‌ترین روش، تقسیم عادلانه سود اضافی بین سپرده‌گذاران است. گرچه نمی‌تواند جنبه تشویقی داشته باشد. در برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی بانک‌ها علاوه بر سود متعلقه که به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کنند، از سهام شرکت‌ها و مؤسسات سودآور که در اختیار دارند، مقداری را در سال به سپرده‌گذاران انتخاب شده به طور رایگان واگذار می‌کنند. حسن این روش در این است که اولاً سپرده‌گذاران بدون این که خود به بورس مراجعه کنند، صاحب سهم می‌شوند، ثانیاً وقتی علاوه بر اصل مبلغ سود سهم نیز از فروش آن به دست آوردند تمایل می‌یابند که بخشی از سپرده‌های خود را در خرید و فروش سهام هزینه کنند. سال‌های سال است که گسترش سهامداران بورس مورد بررسی است. در چند سال گذشته مسئله کوپن سهام مورد توجه بود که در امر خصوصی سازی مؤسسات و بنگاه‌های دولتی بخشی از سهام به عنوان کوپن سهام مثلاً به جای کوپن یارانه‌دار کالا در اختیار مردم قرار گیرد. بانک‌ها با توجه به این که از طریق شرکت‌های سرمایه‌گذاری و کارگزاری خود در نقل انتقال سهام نقش دارند و در عمل بخشی از سهام بورس را تصاحب کرده و یا می‌کنند، می‌توانند با اتخاذ روشی به جای پرداخت جوایز نقدی به سپرده‌ها، تعدادی از سهام شرکت‌های مختلف را در اختیار آنان قرار دهند تا از این طریق هم به سهامدار شدن سپرده‌گذاران در بورس یاری رسانند و هم بر تعداد اعضای سهامدار بورس را که در کشور ما بسیار محدود است، بیفزایند.

شایان ذکر است که روش موجود در پرداخت جوایز روش مطلوب و تشویق‌کننده‌ای است. می‌توان با انجام کار کارشناسی و بررسی روش‌های موجود در سایر کشورهای جهان، روش و منشی را درپیش گرفت که هم سپرده‌گذاران و هم بانک‌ها، هر دو از آن منتفع شوند.

در این میان افزایش تعداد بانک‌های خصوصی از ۴ به ۶ و همچنین تلاش در واگذاری بخشی از سهام بانک‌ها به مردم به منظور خصوصی سازی ایجاب می‌کند که اصولاً در رابطه با مسائل مشتریان بانک‌ها و سپرده‌گذاران به طرح‌های کاملاً نوین و متحول اندیشه کرد و پس از انجام کار اصولی و اجرایی، روش فعلی را حذف و روش جدید را جایگزین کرد. در پایان اضافه می‌کنیم که بانکداری فعلی کشور نیازمند نوسازی است و شیوه‌های موجود به هیچ وجه تناسبی با پیشرفت‌ها و تحولات بانکداری مدرن ندارد. لذا پیشنهاد می‌شود در کنار تفکر برای بهسازی جوایز، نوسازی و بهسازی کل سیستم بانکی کشور را مدنظر قرار داد تا روزی نه چندان دور بانک‌های ما نیز همسان و هم‌طراز بانکداری نوین جهان شوند و نه تنها در کشورمان، بلکه در منطقه و جهان سخنی برای گفتن و روشی برای عرض اندام داشته باشند.

روش موجود در پرداخت جوایز روش مطلوب و تشویق‌کننده‌ای است. می‌توان با انجام کارشناسی و بررسی روش‌های موجود در سایر کشورهای جهان، روش و منشی را درپیش گرفت که هم سپرده‌گذاران و هم بانک‌ها، هر دو از آن منتفع شوند